



The Economic Strategy of the Islamic Republic of Iran for Establishing Economic Authority in the Persian Gulf Region

Nader Javani^{1*}, Ebrahim Ijabi^{2*}

1. Ph.D., Department of Defense Management, Faculty of Command and Staff, AJA University of Command and Staff, Tehran, Iran. Corresponding Author. Email: n.javani@casu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Futures Studies, Faculty of Social Sciences, AJA University of Command and Staff, Tehran, Iran. Email: e.ijabi@casu.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:
Received: 23-11-2024
Accepted: 07-04-2025

Keywords:
Authority, Persian Gulf, Economic Strategy, SWOT.

Abstract

The Persian Gulf is the most important geopolitical and geoeconomic region for the Islamic Republic of Iran. Moreover, this area also constitutes an integral part of the Islamic world due to the presence of the two largest oil-producing countries in the region—Iran and Saudi Arabia—and the two countries with the largest gas reserves, Iran and Qatar. With its significant advantages, including vast oil and gas reserves and the shortest routes for transporting oil and gas from both the Persian Gulf and the Caspian Sea to global markets, Iran has the potential to emerge as a dominant and influential player in the region. However, achieving this status is first contingent upon the enhancement of Iran's economic power. Therefore, the main objective of this article is to identify the key economic factors that could contribute towards the enhancement of Iran's authority in the Persian Gulf region, and to formulating an economic strategy for achieving this purpose. This research can be defined as developmental and applied in terms of nature, and uses a descriptive and mixed-method approach. The statistical population consisted of 54 individuals with expertise in at least one of the economic, cultural, political, military, or geographical fields.

Through analysis 16 economic factors were identified, including the presence of significant oil and gas reserves in Iran, energy transit lines between Iran and the Persian Gulf, shared mineral and natural resources in the region, and the impact of economic sanctions against Iran. According to the research findings and calculations based on Cartesian coordinates, Iran's economic authority in the Persian Gulf is currently positioned in a mildly conservative and force-oriented state, with a trend towards a more proactive, force-oriented stance.

Cite this article: Javani, N., Ijabi, E. (2025). The Economic Strategy of the Islamic Republic of Iran for Establishing Economic Authority in the Persian Gulf Region. *Journal of Defense Economics & Sustainable Development*, 10 (36), 91-114.

[20.1001.1.30607531.1404.10.36.4.0](https://doi.org/10.1001.1.30607531.1404.10.36.4.0)



© The Author(s) 2025. Published by Defense Economics Scientific Association of Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license)



اقتصاد دفاع و توسعه پایدار

شاپا چاپی: ۳۰۶۰-۷۵۳۱

شاپا الکترونیکی: ۲۹۸۱-۰۰۶۱x



راهبردهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برای کسب اقتدار در خلیج فارس

نادر جوانی^{۱*}، ابراهیم ایجایی^{۲*}

۱. دکترا، گروه مدیریت دفاعی، دانشکده فرماندهی و ستاد، دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، تهران، ایران. نویسنده مسئول.

رایانامه: n.javani@casu.ac.ir

۲. دانشیار، گروه آینده پژوهی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش، تهران، ایران.

رایانامه: e.ejabi@casu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله علمی تاریخچه مقاله: تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۱۸ واژگان کلیدی: اقتدار، خلیج فارس، راهبرد اقتصادی، SWOT.	خلیج فارس مهم ترین فضای ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران به شمار می آید که از لحاظ جغرافیایی مهم ترین بخش جهان اسلام را تشکیل داده است زیرا دو کشور بزرگ تولیدکننده نفت منطقه، ایران و عربستان و دو کشور دارای بزرگترین منابع گازی، ایران و قطر در این منطقه قرار دارند. ایران به علت برخورداری از دو موقعیت استثنایی شامل برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز منطقه و کوتاهترین مسیر برای انتقال نفت و گاز منطقه خلیج فارس و دریای خزر به خریداران آن، می تواند به عنوان یک بازیگر اصلی و تأثیرگذار در منطقه قرار بگیرد؛ اما لازمه آن کسب اقتدار اقتصادی است؛ بنابراین هدف اصلی مقاله شناسایی مهمترین مؤلفه های اقتصادی اقتدارساز ج.ا.ایران در منطقه خلیج فارس و تدوین راهبرد اقتصادی ایران برای نیل به این اقتدار می باشد. این پژوهش از نوع توسعه ای- کاربردی بوده که به روش توصیفی و به صورت آمیخته انجام شده است. جامعه آماری ۵۴ نفر متشکل از افرادی بود که حداقل در یکی از حوزه های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، نظامی و جغرافیایی، تخصص داشتند. بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده تعداد ۱۶ عامل اقتصادی (شامل وجود ذخایر مناسب نفت و گاز در ایران، خطوط انتقال انرژی ج.ا.ایران در خلیج فارس، منابع معدنی و طبیعی مشترک در خلیج فارس و کارکرد تحریم های اقتصادی علیه ایران و ...) شناسایی گردید. همچنین طبق نتایج تحقیق و محاسبات مربوط به تعیین مختصات دکارتی، وضعیت اقتدار اقتصادی ج.ا.ایران در خلیج فارس در منطقه محافظه کارانه خفیف و معطوف به قوت قرار دارد که به سمت تهاجمی خفیف و معطوف به قوت در حال حرکت می باشد.

استناد به مقاله: جوانی، نادر و ایجایی، ابراهیم. (۱۴۰۴). راهبردهای اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برای کسب اقتدار در خلیج فارس، فصلنامه اقتصاد دفاع و توسعه پایدار، ۱۰(۳۶)، ۹۱-۱۱۴.

DOI: [10.20011.130607531.1404.10.36.4.0](https://doi.org/10.20011.130607531.1404.10.36.4.0)



ناشر: انجمن علمی اقتصاد دفاع ایران
© نویسندگان

۱. مقدمه

خلیج فارس دریای نیم‌بسته‌ای است که در جنوب غرب آسیا واقع شده و در شبه‌جزیره جنوب غرب آسیا شکاف ایجاد کرده است. خلیج فارس در محدوده‌ی ۲۳ تا ۳۰ درجه عرض شمالی و ۴۸ تا ۵۶ درجه طول شرقی واقع شده است (نوذری، ۱۳۹۴: ۵۲). این خلیج کهن‌ترین دریایی است که انسان شناخته است. خلیج فارس آبراهی است که در امتداد دریای عمان و در میان ایران و شبه‌جزیره عربستان قرار دارد؛ و هشت کشور ایران، عمان، عراق، کویت، عربستان سعودی، بحرین، قطر و امارت عربی متحده با این دریا هم‌مرز هستند (حسن‌پور، ۱۴۰۲: ۴۶).

خلیج فارس بعد از خلیج مکزیک و خلیج هودسن^۱ سومین خلیج بزرگ جهان است که در شرق از طریق تنگه هرمز و دریای عمان به اقیانوس هند و دریای عرب می‌پیوندد و در غرب به دلتای رودخانه اروندرود که حاصل پیوند دو رودخانه دجله و فرات و ناشی از پیوستن رود کارون است، ختم می‌شود. با این اوصاف خلیج فارس مهم‌ترین خطه آبی منطقه است که علاوه بر ظرفیت‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی از منابع سرشار نفت و گاز برخوردار بوده که این منابع بر اهمیت راهبردی آن در تعاملات بین‌المللی افزوده است. اهمیت این منطقه، در گذشته‌ای با پیشینه چند هزارساله ریشه دارد؛ چراکه محل برخورد تمدن‌های بزرگ باستان بوده و قرار گرفتن در چهارراه ارتباطی سه قاره، اهمیت آن را در قرون میانه بیش‌ازپیش آشکار نمود. گذشتن راه‌های مهم تجاری از این منطقه، عاملی در گسترش تجارت بود، به‌ویژه تجارت مروارید که در آن دوران اهمیت ویژه‌ای داشت (الهی حامدیان، ۱۳۹۸: ۱۰). خلیج فارس که محور ارتباط بین اروپا، آفریقا، آسیای جنوبی و جنوب شرق و اوراسیا (از طریق ایران) بوده و هست از نظر راهبردی در منطقه غرب آسیا به‌عنوان مهم‌ترین مرکز ارتباطی میان سه قاره محسوب می‌شود. در نتیجه بخشی از یک سیستم ارتباطی را که دریای مدیترانه و اقیانوس‌های هند، کبیر و اطلس را به هم پیوند می‌دهد، تشکیل شده است، لذا تجار و بازرگانان، کالاها را از شرق و جنوب آسیا به خلیج فارس حمل می‌کردند و از آنجا به سواحل مدیترانه و اروپا و بالعکس می‌بردند. در نتیجه نیازمندی‌های متقابل ساکنان شبه‌جزیره جنوب غرب آسیا و ساکنان شرق و شمال آفریقا سبب شد که خلیج فارس همواره کانون همگرایی بازرگانی و تجارت باشد (رستمی، ۱۳۹۲: ۵۲).

در عصر حاضر با کشف منابع جدید نفت و گاز و ورود مفهوم ژئواکونومی و افزایش اهمیت این مفهوم در مباحث جغرافیایی سیاسی و کاهش اهمیت مباحثی مانند ژئوپلیتیک و راهبرد در برابر ژئواکونومیک بر اهمیت و ارزش این خلیج علاوه بر سایر اهمیت‌های راهبردی آن مانند امنیت و سیاست افزوده است. از آنجایی که تمام ساحل شمالی خلیج فارس در اختیار ایران قرار دارد که این کشور را از قدیم‌الایام مرکز ارتباطی و محور اصلی جاده ابریشم قرار داده بود اکنون نیز به علت برخورداری از دو موقعیت استثنایی شامل برخورداری از منابع عظیم نفت و گاز منطقه و کوتاه‌ترین مسیر برای انتقال نفت و گاز منطقه خلیج فارس و دریای خزر به خریداران آن، می‌تواند به‌عنوان یک بازیگر اصلی و تأثیرگذار در منطقه قرار بگیرد. قدرت و توان یک ملت در دنیای ژئوپلیتیک پست‌مدرن اعمال اراده ملی خود در درون و در ورای مرزهاست. برای این منظور جمهوری اسلامی ایران باید به

مجموعه‌ای از ابزارهای قانونی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی دسترسی پیدا کند. با عنایت به مطالب بالا یکی از حوزه‌های مهم برای کسب اقتدار، ارتقاء حوزه اقتصادی در منطقه است. لذا جمهوری اسلامی ایران که یکی از بزرگ‌ترین بازیگران حوزه منطقه خلیج فارس محسوب می‌شود باید عوامل اقتدارساز اقتصادی برای نیل به منافع ملی را شناسایی نموده و در راستای آن اقدام به تدوین راهبردهای اقتصادی نماید. برای این منظور در این مقاله با استفاده از روش‌های کیفی و کمی اقدام به شناسایی عوامل داخلی (قوت و ضعف) و عوامل خارجی (فرصت و تهدید) به عنوان اهداف فرعی شد و پس از تجزیه و تحلیل موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران مشخص و در ادامه با روش سوات راهبردهای بخشی تدوین گردید. در نهایت به عنوان هدف اصلی مقاله و با استفاده از روش سوات بهبودیافته راهبرد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران به منظور اقتدار در خلیج فارس تدوین گردید. برای رسیدن به این اهداف سؤالات زیر بیان گردید:

سؤال اصلی: راهبرد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران برای اقتدار در خلیج فارس چیست؟

سؤالات فرعی: عوامل داخلی و خارجی تأثیرگذار در اقتدار جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس کدام‌اند؟ موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران در منطقه خلیج فارس چگونه است؟

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲-۱. مبانی نظری پژوهش

اقتدار: مفهوم اقتدار با مفهوم قدرت و نفوذ پیوندی تنگاتنگ دارد. اقتدار به معنی قدرت مشروع است. اقتدار را قدرت مبتنی بر رضایت تلقی کرده‌اند. نفوذ رهبران سیاسی زمانی بر حق دانسته می‌شود که به‌سوی اقتدار معطوف گردد. اقتدار نوع ویژه‌ای نفوذ است، یعنی نفوذ مشروع می‌باشد. اقتدار جلوه و سیمای قدرت در موقعیت‌های گروه سازمان‌یافته است. اقتدار حق مشروع برای نفوذ گذاری یا هدایت رفتار دیگران است. اقتدار نیز مانند قدرت وسیله رهبری دیگران است؛ اما برخلاف قدرت، پایه آن زور یا مجازات نیست (عالم، ۱۳۹۳: ۱۰۲-۱۰۰).

تعریف عملیاتی متغیر اقتدار: این تحقیق تک متغیره است. متغیر اصلی آن اقتدار است. اقتدار همیشه مشروع و قانونی و مبتنی بر رضایت است، اما قدرت ممکن است مشروع یا نامشروع و اغلب مبتنی بر زور باشد. در عرصه بین‌الملل اقتدار شامل حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، جغرافیایی، زیست‌محیطی، فناوری، سایبری و بیولوژیکی و غیره است. با توجه به اینکه امکان بررسی تمام مؤلفه‌های اقتدار در یک مقاله وجود ندارد؛ لذا در این تحقیق صرفاً مؤلفه اقتصادی از عوامل اقتدارساز بررسی شده است.

اقتدار ملی: آنچه به عنوان قدرت در دنیای ژئوپلیتیک پست‌مدرن قابل ارزیابی است، توان یک ملت در اعمال اراده ملی خود در درون و در ورای مرزهاست. آشکار است که چنین شرایطی فراهم نمی‌آید مگر اینکه آن ملت توانسته باشد به مجموعه‌ای از ابزارهای قانونی، سیاسی، اقتصادی و دفاعی دسترسی پیدا کند. این مجموعه مفهوم قدرت ملی را در اتکا به یک نظام حکومتی مردم‌سالارانه، توأم با اقتصادی پیشرفته، نیروی دفاعی ورزیده و مجهز که بتواند موازنه‌های لازم منطقه‌ای را واقعیت دهد و در چشم‌اندازی از خواست‌های

پسندیده ملی، منطقه‌ای و جهانی آن ملت پیگیری کند، تحقق می‌بخشد. گذشته از این موارد، واقعیت یافتن قدرت ملی با چنین تعاریفی عملی نیست مگر برخوردار بودن آن ملت از نظام سیاست‌گذاری آگاه که بتواند خواست‌ها و اراده ملی خود را در چهارچوب منافع ملی تعریف کند و سیاست‌های برنامه‌ریزی شده را هوشیارانه در داخل واقعیت بخشد (عالم، ۱۳۹۳: ۸۷).

ژئواکونومی: اصطلاح ژئواکونومی باوجود کاربرد زیاد، هنوز تعریف دقیق و مشخصی ندارد. برخی ژئواکونومی را استفاده از قدرت ژئوپلیتیک یا نظامی برای رسیدن به اهداف اقتصادی می‌دانند (مارتینیگو و یانگ^۱، ۲۰۱۱: ۱۴). برخی دیگر تعریف موسع دارند و آن را درهم تنیدگی اقتصاد بین‌الملل، ژئوپلیتیک و راهبرد می‌دانند (تیرول^۲، ۲۰۱۰). برخی دیگر بر تجارت و حمایت از صنایع داخلی بدون در نظر گرفتن جنبه‌های ژئوپلیتیکی تأکید دارد (لورت^۳، ۲۰۰۱). گروهی نیز استفاده از این واژه را برای بررسی سنتی تجارت بین‌الملل و تحریم‌ها محدود می‌کنند (برمر^۴، ۲۰۱۰). درنهایت عده‌ای نیز این واژه را تقریباً برای تمام فعالیت‌های اقتصادی داخلی و خارجی بکار می‌برند و قدرت طرح‌ریزی یک کشور را با قدرت یا ضعف اقتصادی داخلی آن مرتبط می‌دانند. کشوری که برای مدت طولانی از تقویت قدرت اقتصادی خود غفلت کند، از نظر ژئوپلیتیکی نمی‌تواند نقش مهمی ایفا کند (بلک ویل و هریس^۵، ۲۰۱۶: ۲۰). ملاحظه می‌شود که تعاریف متفاوت است و خلاصه آن‌ها را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

- ژئواکونومی استفاده از ابزارهای اقتصادی برای تولید نتایج مفید ژئوپلیتیکی است.

- ژئواکونومی، بکار بردن ابزارهای اقتصادی برای کشورداری است.

- ژئواکونومی یک روش تحلیل و یک‌شکلی از کشورداری است و ابعاد گسترده‌ای دارد (سویلن^۶، ۲۰۱۰).

۲-۱- اهمیت ژئواکونومیکی خلیج فارس

با جایگزین شدن نظریات ژئواکونومیکی به جای نظریات ژئوپلیتیکی و اولویت یافتن اقتصاد در دهه‌های اخیر، اهمیت تنگه هرمز و خلیج فارس به مراتب چشمگیرتر شده و حتی بر اهمیت آن افزوده شده است؛ زیرا با این دیدگاه، خلیج فارس به مثابه شاه‌رگ اقتصادی جهان معاصر است. تنگه هرمز نه تنها برای کشورهای همسایه خلیج فارس، بلکه برای اقتصاد جهان نقش حیاتی دارد؛ زیرا اقتصاد تمام کشورهای صنعتی، به نفت وابسته است و مسدود شدن تنگه هرمز، علاوه بر لطمه‌ای که به اقتصاد کشورهای صنعتی وارد می‌کند، به طور شدیدتری به زیان اقتصاد کشورهای منطقه خواهد بود. وابستگی به تنگه هرمز، نه تنها از طریق وابستگی به صدور نفت است بلکه از بُعد تجارت غیرنفتی نیز جایگاه ویژه دارد زیرا صادرات غیرنفتی اکثر کشورهای منطقه (به جز عمان و تا حدی عراق) به تنگه هرمز وابسته است. مهم‌ترین عامل راهبردی خلیج فارس، وجود منابع عظیم نفت و

1. Martiningui and Youngs

2. Thirlwell

3. Lorot

4. Bremmer

5. Blackwill and Harris

6. Soilen

گاز است، به گونه‌ای که این منطقه را به «مخزن نفت جهان» تبدیل نموده است. به طوری که با وجود تحولات دهه‌های اخیر و تلاش برای جایگزین کردن انرژی‌های آب، باد، خورشید، اتم و... هم چنان نفت به عنوان انرژی برتر و اصلی ماده اولیه تولیدی صنایع، اهمیت خویش را حفظ کرده است و روزبه‌روز بر ارزش آن افزوده می‌شود. درواقع نفت، «کالای راهبردی»^۱ به شمار می‌آید (الهی حامدیان، ۱۳۹۸: ۱۱۳) که از راه‌های گوناگون بر سیاست‌های جهانی تأثیرگذار است و هرگونه تغییر و تحولی در صادرات آن، پیامدهای یکسانی بر کل جهان دارد و عدم ثبات بهای نفت، تهدیدی جدی برای اقتصاد جهانی محسوب شده که همواره بازارهای نفتی را با بحران مواجه می‌کند. نفت در طی قرن بیستم، عامل بسیار مهمی در تحولات نظامی سیاسی و اقتصادی جهان بوده و برای سال‌های آتی نیز چنین خواهد بود. به همین دلیل منطقه خلیج فارس، به علت تسلط بر ذخایر عظیم و قدرت تولید و توان صادراتی قابل توجه، مرکز این تحولات و وقایع مهم بوده و خواهد بود. لذا تقریباً همه کشورهای جهان، کم‌وبیش وابسته به این حوزه خواهند بود، چه از نظر واردات نفت و مشتقات آن و چه از نظر صادرات کالاهای خود، به همین دلیل حیات اقتصادی و نظامی - سیاسی بسیاری از این کشورها، به خصوص کشورهای غربی و ژاپن، چین و هند به ادامه بی‌وقفه جریان نفت از حوزه خلیج فارس وابسته است. نیاز روزافزون اقتصادهای جهانی به نفت و غیرقابل جایگزین بودن آن توسط انرژی‌های دیگر، به منطقه خلیج فارس «جایگاه ژئواکونومیک»^۲ خاصی بخشیده است. درواقع مسئله نفت و گاز سبب چنین موقعیتی شده است. کشورهای خلیج فارس، ۶۲ درصد از مجموع نفت مصرفی بازارهای جهان را تولید می‌کنند، به علاوه، عمق کم این خلیج، امکان بهره‌برداری از منابع نفت هم‌چنین منابع دریایی آن را به سهولت و ارزانی فراهم می‌آورد و هزینه‌های پایین استخراج نفت و گاز، توجه کشورهای صنعتی را به خود جلب کرده است (رودباری، ۱۳۹۵: ۱۶-۱۷)؛ بنابراین خلیج فارس از مهم‌ترین مخازن انرژی جهان به شمار می‌آید که در تأمین انرژی آینده جهان، نقشی اساسی بر عهده دارد. نیاز روزافزون کارخانه‌ها صنعتی به نفت و غیرقابل جایگزین بودن آن توسط انرژی‌های دیگر، به منطقه خلیج فارس «جایگاه ژئواکونومیک»^۳ خاصی بخشیده است. درواقع، منطقه خلیج فارس افزون بر موقعیت ژئوپلیتیک، موقعیت ژئواکونومیک نیز دارد و آنچه از همه بر احراز چنین موقعیتی تأثیرگذار بوده، مسئله نفت و گاز است. تحولات نظام بین‌الملل، بیانگر آن است که در هزاره سوم میلادی، قدرت برتر از آن کسی خواهد بود که بر انرژی جهانی، به‌ویژه نفت و گاز تسلط یابد و بنابراین، جای تعجب نیست که خلیج فارس به عنوان بزرگ‌ترین مخزن انرژی جهان، کانون توجه جهانی قرار گرفته است (رودباری، ۱۳۹۵: ۱۷). در این میان ایران از سه منظر در منطقه از ابزارهای برتر برخوردار است.

۱- داشتن موقعیت بحری، بری و حتی گذرگاهی.

۲- برخورداری از منابع عظیم انرژی و نقش ژئوپلیتیکی آن‌ها بخصوص نفت.

۱- کالای راهبردی هر نوع ماده خام یا اولیه که از نظر راهبرد باارزش و برای دفاع ملی و پیشبرد جنگ مدرن ضروری باشد. اگر در یک کشور عرضه واقعی یا بالقوه کالاهای راهبردی کمتر از مقداری باشد که برای شرایط اضطراری پیش‌بینی شده است، قبل از پدید آمدن چنین شرایطی، اقدام به ذخیره‌سازی می‌گردد.

۳- حاکمیت بر بخش شمالی تنگه مهم و راهبردی هرمز به عنوان گلوگاه اقتصاد جهانی از جهت صدور منابع نفتی و ... و ورود کالاهای مصرفی جایگاه خاص خود را در این منطقه به خود اختصاص داده است (رستمی، ۱۳۹۲: ۵۳-۴۷).

اهمیت خلیج فارس به پنج عامل اصلی ذیل بستگی دارد:

۱- موقعیت جغرافیایی؛

۲- ذخایر عظیم نفت و گاز؛

۳- بازار مصرف (خرید تجهیزات نظامی) و تولیدات ساخته شده در غرب؛

۴- کشتیرانی و ترابری دریایی (نقش واردات و صادرات بین سه قاره)؛

۶- منابع آبزیان دریایی (صفوی، ۱۳۹۳: ۴۶).

لذا امنیت این حوزه نه تنها برای کشورهای عضو، حیاتی است بلکه امنیت مناطق هم جوار از آسیای میانه گرفته تا مدیترانه و همچنین امنیت جهانی به خاطر منابع نفتی آن، به امنیت این حوزه وابسته است و جمهوری اسلامی ایران هم به دلیل داشتن بیشترین طول ساحل شمالی و همچنین پتانسیل های بالا نقش مهمی در امنیت نظامی و تبدیل این امنیت به اهرم های قدرت دارد.

۲-۱-۲. مزیت های اقتصادی نفت خلیج فارس

با توجه به مطالعات توماس استوار^۱ تحلیلگر آمریکایی نفت، تولید هر بشکه نفت خشکی در ایران، ابوظبی، عراق، کویت و عربستان سعودی، چهار دلار هزینه در بردارد. این رقم که با توجه به بازده چاه برآورد شده، شامل هزینه های اکتشاف، ارزیابی و توسعه و نرخ بازگشتی حدود ده تا پانزده درصد می باشد. در مقابل، این هزینه ها در دریای شمال دوازده تا بیست دلار در هر بشکه و در غرب تگزاس هفده تا نوزده دلار و در کانادا بیش از نوزده دلار می باشد. «درعین حال، هزینه ایجاد یک بشکه ظرفیت تولید اضافه، در شش کشور عضو اوپک، در منطقه خلیج فارس (ایران، عربستان، عراق، کویت، امارات متحده عربی و قطر) بسیار کمتر از هر نقطه دیگری در جهان است. برای نمونه، این هزینه در عراق کمتر از پنج هزار دلار در هر بشکه و در ایران در حدود شش هزار دلار می باشد. در کل، این هزینه در خلیج فارس حدود سه هزار دلار برای هر بشکه ظرفیت تولید اضافی است که در مقایسه با سایر تولیدکنندگان اصلی غیر اوپک، نظیر دریای شمال و آمریکای شمالی، بسیار کمتر است». به علاوه، عمر متوسط ذخایر نفتی کشورهای خلیج فارس، در برخی نقاط به صدسال نیز می رسد؛ درحالی که عمر نفت در دیگر نقاط جهان، به طور متوسط هیجده سال است. با ورود بازارهای نفتی جدید و مصرف کنندگان نوظهور، تقاضای جهانی برای نفت افزایش می یابد و با رشد تقاضا، رقابت در این بازار گسترش یافته و به افزایش قیمت ها خواهد انجامید. درواقع، رقابت در بازار نفت، نقش مهمی را در تثبیت قیمت های بالاتر خواهد داشت (جفری^۲، ۲۰۱۹: ۸). با مقایسه هزینه های تولید نفت در سراسر جهان می توان مشاهده کرد که «بزرگان چهارگانه» در خلیج فارس - ایران، عراق، کویت و عربستان سعودی - به دو دلیل

¹ THOMAS STUFFER

² Jeffrey

در صدر قرار داشته و به گونه بی‌مانندی در مقام تولیدکنندگان کم‌هزینه‌ای هستند: «نه تنها منابع آن‌ها غنی‌ترین ذخایر در جهان هستند بلکه، تولید آن‌ها نیز کم‌هزینه و ارزان‌ترین در جهان است.» هزینه‌های تولید نفت در عراق، ایران، عربستان سعودی و کویت در بیست سال گذشته افزایش یافته است؛ اما هنوز بشکه‌ای زیر دو دلار است. هزینه‌های پایین تولید در کشورهای عمده صادرکننده نفت به میزان جریان آن از چاه‌های خلیج فارس بستگی دارد (میزان جریان درواقع عملکرد فشار طبیعی یا ساختگی است). میانگین میزان جریان برای «بزرگان چهارگانه»، ۴۰۰۰ بشکه در روز است که ۱۰۰ برابر میانگین چاه‌های نفت آمریکاست. در اندونزی و ونزوئلا میزان جریان کمتر از ۲۰۰ بشکه در روز است که بسیار بالاتر از چاه‌های نفت ایالات متحده و کانادا می‌باشد؛ اما هنوز بسیار پایین‌تر از میزان جریان نفت در خلیج فارس است (جفری، ۲۰۱۹: ۲۰۷). هزینه‌های تولید، هم‌چنین بستگی به موقعیت مکانی چاه‌ها و نیز عمق آن‌ها دارد. چاه‌های عمیق واقع در مکان‌های دوردست و مخاطره‌آمیز بسیار پرهزینه‌تر از چاه‌های کم‌عمق واقع در موقعیت‌های قابل‌دسترس هستند. یک عامل مهم این است که آیا چاه‌ها در ساحل واقع شده‌اند یا به‌دوراز ساحل. هزینه‌های تولید در موقعیت دور از ساحل (به‌طرف دریا) بین دو تا چهار برابر بیشتر است. برخی از چاه‌های نفت قدیمی دور از ساحل در ابوظبی هزینه تولیدی بیش از ۱۰ دلار در هر بشکه دارند. درحالی‌که چاه‌های ایران بیشتر در ساحل قرار دارد، اما ایران ممکن است از کمبودهای جدی سرمایه - که این کمبود از درآمد ناخالص صادراتی یک‌ساله نفت ایران بیشتر است - برای تأمین مالی ضروری برنامه‌های تزریق گاز رنج ببرد. چنین کمبودهایی، سرمایه‌گذاری جدید را بسیار دشوار می‌سازد. عرضه و تقاضای نفت در آینده ارتباط مستقیم باقیمت آن دارد. قیمت‌های پایین باعث تقاضای بیشتر می‌شود و انگیزه لازم برای جست‌وجوی منابع انرژی جایگزین را کاهش می‌دهد (جفری، ۲۰۱۹: ۲۰۷).

به‌طور خلاصه مزیت خلیج فارس در برابر دیگر نقاط جهان، به شرح ذیل است:

- (۱) منابع نفتی فراوان منطقه (۶۴ درصد کل ذخایر جهان، در کشورهای حوزه خلیج فارس قرار دارد).
- (۲) سهولت استخراج.
- (۳) هزینه تولید پایین (هزینه تولید اوپک، بین یک تا سه دلار در مقایسه با هزینه شش تا ده دلار برای هر بشکه تولیدکنندگان غیر اوپک می‌باشد).
- (۴) مازاد ظرفیت تولید، به‌طوری‌که این کشورها، دارای مصرف بسیار محدود بوده و اصولاً جهت صادرات و اقدام به تولید و استخراج نفت می‌نمایند. کل کشورهای اوپک، دو درصد و کشورهای حوزه خلیج فارس، کم‌تر از یک درصد مصرف جهانی نفت را دارند.
- (۵) کیفیت بالای نفت خام منطقه خلیج فارس.
- (۶) سهولت حمل‌ونقل.
- (۷) توان تولید زیاد چاه‌های نفت (در حوزه خلیج فارس، از هر حلقه چاه نفت، حدود ۲۵۰۰۰ تن نفت در سال می‌توان استخراج کرد، درحالی‌که حجم قابل‌مقایسه در آمریکا، فقط ۱۰۰۰ تن در سال است).
- (۸) امکان کشف ذخایر جدید نفتی وسیع در این منطقه، در مقایسه با سایر مناطق جهان (جودت، ۱۳۹۹: ۱۶۶).

درنهایت با استفاده از آمار آژانس بین‌المللی انرژی^۱ (IAE) و همچنین دیگر منابع معتبر به‌روشنی می‌توان مشاهده نمود که نفت خلیج فارس احتمالاً بسیار مهم‌تر از سایر مناطق خواهد شد. چنین تخمین زده می‌شود که تا سال ۲۰۳۰ باید نیمی از مصرف جهانی تولیدکنندگان، نفت تولید نمایند، اما میزان دقیق نفتی که باید از خلیج فارس تأمین شود به میزان رشد اقتصادی جهانی، دسترسی به منابع جایگزین، تنگنای ظرفیتی برای تولید بیشتر و قیمت نفت بستگی خواهد داشت. قیمت پایین نفت و میزان رشد بالا اما ناکافی اقتصادها، منتهی به افزایش تقاضا برای نفت خلیج فارس خواهد شد زیرا درنهایت، قیمت‌های پایین، تولیدات خلیج فارس را ارزان‌تر از نفت بسیار گران سایر مناطق خواهد ساخت. آمار و ارقام نهایی هرچه باشند، دو نکته برجسته در تمامی پیش‌بینی‌های قوی مشاهده می‌شوند:

۱- هیچ‌گونه جایگزین واقعی برای نفت خلیج فارس وجود ندارد تا بتواند تقاضای فزاینده جهانی نفت را در این دوره تأمین کند.

۲- کشورهای آسیایی به مقدار بسیار زیادی از نفت خلیج فارس نیاز خواهند داشت. یکی از منابع غیرمسلم اولیه در طول این دوره، میزان نفت (و تا حد کمتری گاز طبیعی) قابل صدور از ناحیه مجاور خلیج فارس، یعنی حوزه سرشار از انرژی در دریای خزر است (سلطانی فر، ۱۳۹۹: ۱۸۷).

۲-۱-۳. گاز طبیعی خلیج فارس

یکی دیگر از منابع پراهمیت انرژی، گاز طبیعی است. میزان قابل توجهی از این انرژی، در منطقه خلیج فارس یافت می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد «پس از روسیه، جمهوری اسلامی ایران، قطر، امارات متحده عربی و عربستان، به ترتیب دومین، سومین، چهارمین و پنجمین ذخایر بزرگ گاز را در دنیا در اختیار دارند. ذخایر این منطقه، مخازن گازی شمال قطر و میدان پارس جنوبی ایران را در برمی‌گیرد» (جودت، ۱۳۹۹: ۱۶۷). خلیج فارس بیش از ۳۰ درصد از ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی جهان را در خود جای داده است (جفری، ۲۰۱۹: ۲۰۰).

از آنجایی که منابع گاز طبیعی به لحاظ جغرافیایی و در مقایسه با منابع نفت پراکنده‌تر هستند، بازار گاز به‌صورت منطقه‌ای قیمت‌گذاری شده و در بازارهای مختلف تفاوت قیمت‌های زیادی به چشم می‌خورد که یکی از دلایل این امر مشکل حمل گاز به بازارهای دوردست است. تنها دو راه عمده برای حمل گاز وجود دارد: به‌وسیله خط لوله به بازارهای مشخص و به‌وسیله تانکرهای حمل گاز طبیعی مایع.

هزینه‌های سرمایه‌گذاری و استقرار تأسیسات گاز طبیعی مایع بسیار بالا است. هزینه‌های شروع به کار پایانه‌های گاز مایع ممکن است به ۷ میلیارد دلار بالغ شود. به همین دلیل جذب سرمایه برای چنین کارهای پرمخاطره بسیار دشوار است مگر این که بازار تضمین‌شده، طولانی‌مدت و قابل اتکایی برای محصول آن وجود داشته باشد و یا این اطمینان در میان باشد که تولیدکننده ثابت و عرضه‌کننده مطمئن وجود دارد. از این رو، مخاطرات سرمایه‌گذاری در گاز در مقایسه با نفت بسیار گسترده‌تر و به‌ویژه طولانی‌تر است. اضافه بر این، در مورد این مخاطرات و احتمال آن قطعیت زیادی وجود ندارد (جفری، ۲۰۱۹: ۲۰۱). این واقعیت آثار مهمی بر

¹ International Energy Agency

ژئوپلیتیک انرژی در منطقه دریای خزر و خلیج فارس دارد. به شکلی که ایران با آن روبه‌رو است توجه کنید. ایران دارای دومین ذخایر گازی جهان است. از طرف دیگر، صنعت نفت آن در حد کمال بوده و میدان‌های نفتی آن کهنه و نیازمند سرمایه‌گذاری عمده برای نوسازی و محتاج میزان زیادی گاز برای تزریق جهت حفظ فشار در چاه‌های نفت آن کشور می‌باشد. در نگاه نخست، شاید منطقی به نظر برسد که ایران از صدور نفت به صدور گاز تغییر جهت دهد زیرا تقاضای جهانی برای گاز وجود دارد و میدان‌های گازی آن کشور نیز حقیقتاً دست‌نخورده مانده است. درواقع در اینجا مشکلات زیر خود را نشان می‌دهند: (جفری، ۲۰۱۹: ۲۰۲) نخست، به خاطر بالا بودن هزینه‌های مراحل اولیه توسعه میدان‌های گاز پیش از آن که چنین سرمایه‌گذاری‌هایی صورت بگیرد، باید از بازارهای بلندمدت آن اطمینان حاصل گردد. طبیعی‌ترین مشتریان گاز ایران تقریباً همسایگان نزدیک آن کشور به‌ویژه ترکیه، پاکستان و هند هستند. درحالی‌که ایران برای تحویل گاز حتی به نزدیک‌ترین همسایگانش نیازمند سرمایه‌گذاری سنگینی برای نوسازی خطوط لوله گاز فعلی خود است و یا در مورد پاکستان و هند باید هزینه بی‌نهایت بالایی را برای ساخت خطوط لوله جدیدی متحمل شود. علاوه بر این، تقاضای داخلی ایران برای انرژی در حال افزایش است و به علت سودآوری صادرات نفت، انگیزه‌های نیرومندی برای تکمیل و جایگزینی مصرف نفت با گاز وجود دارد، نفتی که می‌تواند ارزش خارجی به دست آورد. دوم، موقعیت منابع گاز ایران موجب ایجاد مشکلاتی برای مصرف داخلی می‌شود. بیشترین میدان‌های گازی ایران در جنوب کشور واقع شده‌اند درحالی‌که جمعیت نیازمند گاز در شمال کشور قرار دارند. یکی از راه‌های تبدیل برای ایران واردکردن گاز از ترکمنستان برای مصرف‌کنندگان شمالی و صدور آن از میدان‌های جنوبی به بازار است؛ اما با توجه به موقعیت ناپایدار سیاسی ایران و تهدید ایالات متحده برای تحمیل تحریم‌ها علیه شرکت‌های خارجی که قصد کار با بخش صنعت انرژی ایران را دارند، ممکن نیست این کشور بتواند بدون تغییر در سیاست‌های سرمایه‌گذاری برای طرح‌های گازی‌اش بیاید (جفری، ۲۰۱۹: ۲۰۳).

۲-۱-۴. نقش ایران در ژئواکونومیک و اقتصاد منطقه

ایران همانند ترکیه خود را در کنار همسایگان شناخته است که به علت موقعیت جغرافیایی‌اش نیز از اهمیت بیشتری برخوردار است. که در بین دو مخزن بزرگ از امیدبخش‌ترین انبارهای مهم نفت و گاز منطقه، خلیج فارس و دریای خزر قرار گرفته است. این حقیقت را مدیران نادیده گرفته‌اند. ایران که دقیقاً در میان این دو منطقه عظیم انرژی واقع شده است، طی چند سال گذشته کوشیده تا در زمینه (استعدادهای) جغرافیایی‌اش سرمایه‌گذاری کند و برای رسیدن به توافقاتی با همسایگان خود در دریای خزر در خصوص انتقال نفت و گاز از خاک این کشور و از راه لوله به بندرهای مدیترانه و خلیج فارس مذاکراتی به انجام رسانده است؛ اما این تلاش‌ها به‌شدت با مخالفت ایالات متحده به‌صورت علنی و کشور روسیه به‌صورت پنهانی روبه‌رو گشته که روابط آن با ایران در ظاهر دوستانه است. درحالی‌که ممکن است در درازمدت صادرات نفت و گاز از طریق ایران به نفع آمریکا و غرب و به ضرر روسیه باشد که ایران تبدیل به گذرگاهی برای عبور نفت و گاز دریای خزر و خلیج فارس گردد اما در حال حاضر، به این خاطر که راه‌های مطمئن عبور انرژی از منطقه در اختیار آمریکا و روسیه است، (جفری، ۲۰۱۹: ۱۲۶) آمریکا به علت جلوگیری از رشد ایران و درواقع دشمنی با این کشور و

روسیه به دلیل حفظ منافع ملی خود و جلوگیری از اقتدار رقیب اصلی خود در حوزه نفت و گاز مانع از سرمایه‌گذاری عظیم و مثمر در ایران و در راستای ترانزیت انرژی خواهند شد؛ درحالی‌که ایران باوجود راه‌های آهن ارتباطی با ترکمنستان رؤیای ارتباط ریلی مستقیم میان آسیای مرکزی و خلیج فارس را به واقعیت تبدیل نموده است. لذا ایران با برقراری روابط گرم با همسایگانش می‌تواند بهترین و ارزان‌ترین مسیر برای ترانزیت انرژی نقش‌آفرینی نموده و پنج برابر درآمد حاصل از تولید نفت و گاز خود فقط از ترانزیت انرژی درآمد کسب نماید.

۲-۱-۵. اهمیت ژئواکونومیکي تنگه هرمز

تنگه هرمز، به‌عنوان مدخل خلیج فارس، تأثیر ویژه‌ای بر حوادث منطقه دارد. این تنگه، با طول حدود ۱۵۸ کیلومتر و عرض حداقل ۵۶ و حداکثر ۱۸۰ کیلومتر و عمق ۱۱۵ متر، یکی از راهبردی‌ترین گذرگاه‌های جهان به شمار می‌آید که خلیج فارس را از راه دریای عمان (مکران) اقیانوس هند و خطوط کشتی‌رانی بین‌المللی به دریای آزاد پیوند می‌دهد، این آبراه به علت موقعیت خاص راهبردی، شاه‌رگ حیات اقتصادی جهان به حساب می‌آید؛ و به‌عنوان راه ورودی و خروجی خلیج فارس، از موقعیت ژئواستراتژیکی برخوردار است. تنگه هرمز دومین تنگه بسیار مهم و راهبردی دنیا است که محل ترانزیت اصلی صدور نفت و گاز کشورهای حوزه خلیج فارس به سرتاسر دنیا است. این تنگه در طول تاریخ شاهد منازعات بین‌المللی بسیاری میان ایران با بیگانگان بوده است. تنگه هرمز بعد از تنگه مالاکا دومین تنگه بین‌الملل پرتردد دنیاست. بر اساس آمارهای اعلام‌شده روزانه بین ۱۵ تا ۱۷ میلیون بشکه نفت خام از تنگه هرمز عبور می‌کند. (این میزان معادل ۴۰ درصد کل نفت حمل شده توسط نفت‌کش‌ها در دنیا و نزدیک به ۲۵ درصد کل عرضه جهانی نفت است) (جفری، ۲۰۱۹: ۹۲). از آنجاکه روزانه حدود چهل درصد نفت مصرفی جهان از این تنگه عبور می‌کند، درواقع حدود ۲۰ درصد نفت صادراتی منطقه‌ی خلیج فارس از طریق خطوط لوله و یا سایر طرق، صادر می‌شود و ۸۰ درصد بقیه، از طریق تنگه هرمز به جهان خارج صادر می‌گردد، میزان وابستگی بالای کشورهای منطقه و جهان را به این آبراه راهبردی نشان می‌دهد.

بر همین اساس این آبراه، نقش بسیار حساس و بی‌چون و چرایی در توازن اقتصاد، مالی و تجاری کلیه کشورهای صنعتی و کشورهای ساحلی دارد؛ لذا هر رخدادی که سلامت و امنیت دریانوردی را در این ناحیه تهدید نماید، سلامت و امنیت جهانی را تهدید می‌نماید (حافظ نیا و ربیعی، ۱۳۹۹: ۹۱). تنگه هرمز را از این نظر، شاه‌رگ اقتصادی جهان می‌نامند که به قلب اقتصاد جهانی نفت تزریق می‌کند. علاوه بر آن این تنگه برای کشورهای کناره آن نیز از نظر اقتصادی اهمیت حیاتی دارد؛ زیرا اقتصاد تمام کشورهای این منطقه وابسته نفت است. لذا مسدود شدن این تنگه نه‌تنها به اقتصاد کشورهای صنعتی لطمه وارد می‌کند، به زیان اقتصاد کشورهای منطقه نیز خواهد بود. روزانه چندین نفت‌کش بزرگ از تنگه عبور می‌کنند و نفت خلیج فارس را به اقصی نقاط جهان حمل می‌نمایند. هم‌زمان چندین برابر نفت‌کش‌هایی که از تنگه هرمز خارج می‌شوند، کشتی‌های بازرگانی حامل کالا برای کشورهای منطقه از تنگه عبور کرده و وارد خلیج فارس می‌شوند. تقریباً تمام کشورهای خلیج فارس از نظر صادرات و واردات کالا و صدور نفت خود به تنگه هرمز وابستگی دارند. «حدود

۶۸ درصد از ذخایر شناخته شده نفت و گاز دنیا در خلیج فارس قرار دارد و این مسئله امنیت تنگه هرمز را در تأمین بی وقفه انرژی دنیا بیش از پیش روشن می کند. کشورهایی که بیشترین نفت و گاز را از این تنگه راهبردی دریافت می کنند، کشورهای آسیایی، ایالات متحده و اروپای غربی هستند و در عین حال ۷۵ درصد نفت خام وارداتی ژاپن از این تنگه عبور می کند. با توجه به این مسئله می توان گفت که تنگه هرمز اهمیت راهبردی زیادی برای امنیت منطقه ای و اقتصاد جهانی دارد و بیش از یک ششم نفت مورد نیاز جهان از طریق این تنگه ترانزیت می شود (جفری، ۲۰۱۹: ۹۵). مرکز مطالعات راهبردی و بین المللی^۱ در بررسی های خود ضمن تأیید این مطلب که ۴۰ درصد از نفت دنیا و یا به عبارت بهتر ۱۷ میلیون بشکه در روز از طریق تنگه هرمز عبور می کند. به صراحت بیان داشته هر چند مسیرهای جایگزین این تنگه که در سال های اخیر باهدف مقابله سیاسی و راهبردی علیه حضور گسترده نفوذ ایران در خلیج فارس طراحی و اجرا گردیده اند، اگرچه می توانند مورد استفاده قرار گیرند، اما توان عبور این مسیرهای جایگزین در حدود یک سوم از میزان نفت عبوری از تنگه هرمز و به میزان ۵ میلیون بشکه در روز است.

۲-۱-۶. اهمیت جزایر ایرانی در اقتصاد

منطقه خلیج فارس در حدود ۱۳۰ جزیره بزرگ و کوچک دارد. جزایر شمالی آنکه همگی در مالکیت و حاکمیت ایران می باشند، کم و بیش مسکونی و آباد هستند، در حالی که جزایر جنوب و شمال غرب که متعلق به کشورهای عربی هستند، غالباً مرجانی و سنگی و غیرمسکونی می باشند. مهم ترین جزایر ایران در منطقه خلیج فارس عبارت از: هرمز، لار، قشم، هنگام، تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی، فرور بزرگ، فرور کوچک، سیری، کیش، هندرابی، لاوان، ام الکرم، نخیلو، خارک، خار گوام، مسیله، دوبه، حاج صلبوخ، مینو و جزیره فارسی می باشند که در حوزه تقسیمات کشوری سه استان جنوبی ایران یعنی خوزستان، بوشهر و هرمزگان قرار دارند (افشارسیستانی، ۱۴۰۰: ۴۶). جزایر مسکونی تحت مالکیت کشور ایران در خلیج فارس عبارتند از: قشم، کیش، هرمز، هنگام، لارک، لاوان، ابوموسی، هندرابی، تنب بزرگ، تنب کوچک، سیری (راز)، فرور بزرگ (پلور)، جزیره فارسی، خارک، خارکو، شیف؛ و جزایر غیرمسکونی تحت مالکیت کشور ایران در خلیج فارس عبارتند از: فرورگان (فرور کوچک)، شیدور، عباسک، ام الکرم، نخیلو، جبرین (تهمادو)، ام سیله (خان)، گرم، بونه، دارا، قبر ناخدا، خرو، مولیات، سه دندون، طاف، مرغی، جزیره میر مهنّا، چراغی. غالباً جزایر شمالی خلیج فارس که در مالکیت کشور ایران هستند، نسبت به جزایر جنوب و شمال غرب خلیج فارس که متعلق به کشورهای عربی می باشند، عموماً بیشتر قابل سکونت و از آبادانی بیشتری برخوردار هستند؛ و قابلیت های فراوانی در ابعاد راهبردی و توسعه ای به ویژه در امور گردشگری و توریسم و نیز بسترسازی در جهت ایجاد امنیت، گسترش حمل و نقل و توسعه روابط منطقه ای و بین المللی برخوردار می باشند (کامران، ۱۳۹۶: ۵۰)؛ که از میان آنان می توان به قشم که بزرگ ترین جزیره خلیج فارس بوده و دارای ۱۱۵ کیلومتر طول و بین ۱۰ تا ۳۵ کیلومتر عرض است که وسعت آن از ۲۲ کشور جهان بزرگ تر بوده و بزرگ ترین جزیره غیرمستقل دنیا هست؛ که به تدریج به یک جزیره مورد توجه گردشگران و بازرگانان تبدیل شده است. همچنین می توان از جزیره کیش نام

برد که به مدد سواحل کم‌نظیر و زیبا و امکان نمایش آبریزان خلیج فارس و با ایجاد اسکله‌های تفریحی و امکانات ورزش‌های آبی به مکانی تفریحی برای گردشگران داخلی و خارجی تبدیل شده است. اشاره کرد، (کامران، ۱۳۹۶: ۵۰) یا جزیره خارک در قسمت شمال شرقی خلیج فارس قرار دارد که دارای اهمیت سوق‌الجیشی و حیاتی هست. فاصله جزیره خارک تا بوشهر ۳۶ مایل دریایی و مساحت این جزیره، حدود ۲۳ کیلومتر مربع هست. جمعیت آن حدود ۱۰ تا ۱۲ هزار نفر هست. این جزیره از نظر اقتصادی و نظامی بسیار حائز اهمیت بوده بطوریکه بزرگ‌ترین پایانه صدور نفت ایران است (صفوی، ۱۳۹۳: ۱۱۱) ضمناً جزایری مانند جزیره هرمز، به علت داشتن خاک سرخ و مرکز ثقل فرمانروایی بر خلیج فارس و سوابق دیرینه تاریخی، جزیره لاوان با کندوهای عسلی به رنگ سبز تیره و صید مروارید، هندرابی با جاذبه‌های طبیعی و آثار تاریخی، شیتور به عنوان بی‌بدیل‌ترین جزیره از نظر حیات‌وحش در خلیج فارس با لاک‌پشت‌ها و دولفین‌های کم‌نظیر، سیری با معدن خاک سرخ، فرور کوچک که با وجود غیرمسکونی بودن یک منطقه دیدنی تلقی می‌شود، فرور بزرگ به خاطر حیات‌وحش جذاب، هنگام با اسکله ساخته شده به وسیله انگلیسی‌ها، وجود دسته‌های دلفین‌ها و صید کوسه توسط صیادان و نورافکن‌های دریایی ایران برای هدایت کشتی‌ها، خارکو با یادگارهای به‌جامانده از جنگ تحمیلی و سابقه حضور مهاجمان خارجی، لار با کوه‌های آتش‌فشانی، مینو با نخل‌ها، نیزارها و زیستگاه‌های پرندگان مهاجر، جزیره قبر ناخدا به عنوان محل تخم‌گذاری پرستوهای دریایی، عباسک با نام قدیمی شاه زنگی که هم‌اینک مورد توجه زیادی قرار گرفته، میر مهنا با گنبد قدمگاه امیرالمؤمنین و درخت عظیم‌الجثه‌اش، جزیره فارسی با ایستگاه هواشناسی ارائه اطلاعات برای شرکت‌های کشتیرانی، نخیلو به عنوان زیستگاه مهم لاک‌پشت‌های خلیج فارس، جزیره گرمو با انبوه درختان جنگلی نیز مانند سایر جزایری که هریک به‌مانند گنجینه‌های کم‌نظیری در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، گردشگری و راهبردی برای کشور ایران نقش‌آفرینی می‌کنند (کریمی‌فرد، ۲۰۱۲: ۱۷).

۲-۱-۷. ظرفیت‌های اقتدار ج.ا.ایران در خلیج فارس

پیشروی آب اقیانوس هند و دریای عمان در شیار هلال گونه‌ای در جنوب زاگرس، دریای نیمه بسته خلیج فارس را به وجود آورده است. این محدوده، در حدفاصل کشورهای ایران، عراق، کویت، عربستان، قطر، بحرین، امارات متحده و عمان قرار دارد و بخشی از منطقه‌ی خاورمیانه به شمار می‌آید. مدخل آن در تنگه هرمز، با حدود ۸۵ کیلومتر و بخش پایانی آن در رأس خلیج فارس، با حدود ۳۲۰ کیلومتر بوده و بیشترین عرض آن، شامل ۳۲۵ کیلومتر است. مساحت این خلیج، ۲۲۶ هزار کیلومتر مربع و ژرفای متوسط آن ۳۵ متر ثبت شده است که در پاره‌ای نقاط، به نود تا صد متر نیز می‌رسد؛ بنابراین، برخلاف بحر احمر یا خلیج العربی که در آن سوی جزیره العرب واقع است، دریای کم‌عمقی به شمار می‌آید. خلیج فارس در منطقه‌ای فرو رفته است که در جنوب آن، فلاتی لم‌یزرع و در شمال آن، فلات دیگری با نمایی از کوهپایه‌های زاگرس قرار گرفته است. به گونه‌ای که تمامی خلیج فارس، یک فلات قاره را تشکیل می‌دهند. به لحاظ زمین‌شناسی، این منطقه از پدیده‌های دوران سوم زمین‌شناسی است و حدود سی میلیون سال قبل به وجود آمده است (الهی حامدیان، ۱۳۹۸: ۱۰)؛ و آن گونه که زمین شناسان مطرح می‌کنند، وسعت آن تقریباً دو برابر وسعت فعلی بوده که اثر

تحولات زمین‌شناسی و ریزش رسوبات رودخانه‌ای، پسرفت نموده است. اهمیت این منطقه، در گذشته‌ای با پیشینه چند هزارساله ریشه دارد؛ چراکه محل برخورد تمدن‌های بزرگ باستان بوده و قرار گرفتن در چهارراه ارتباطی سه قاره، اهمیت آن را در قرون میانه بیش‌ازپیش آشکار می‌کرد. گذشتن راه‌های مهم تجاری از این منطقه، عاملی در گسترش تجارت بود، به‌ویژه تجارت مروارید که اهمیت ویژه‌ای داشت. اندک‌اندک با ورود استعمار و رقابت‌های جهانی، این منطقه به عرصه تاخت‌وتاز قدرت‌های جهانی تبدیل شد و قدرت‌های پرتغالی، هلندی، فرانسوی، بریتانیایی، روسی و آمریکایی، به ترتیب شانس خویش را در چپاول اقتصاد جوامع آن به‌بوتہ آزمایش گذاشتند تا این‌که در نیمه قرن بیستم، با اکتشاف نخستین چاه‌های نفت، در ببحوحه جنگ‌های جهانی، توجه بیش‌ازپیش کشورهای صنعتی به این منطقه جلب شد. در سده بیستم با اکتشاف نفت، این منطقه به‌عنوان گذرگاه شصت درصد ذخایر جهانی نفت، نگاه نیازمندان جهانیان را به‌سوی خود کشانده و سرزمین‌های پیرامون خویش را به تب نوسانات اقتصادی - سیاسی جهان پیوند داده است. آری، آنچه خلیج فارس را به شاه‌رگ حیاتی جهان تبدیل نمود، کشف طلای سیاه بود؛ کالایی که پس از گذشت قرن‌ها، باوجود پیشرفت علم و فناوری هنوز جایگزین مناسبی برای آن یافت نشده است؛ اما اهمیت این منطقه، صرفاً در وجود منابع گسترده معدنی آن خلاصه نمی‌شود و نقش سیاسی منطقه خلیج فارس، با توجه به اهمیت ایدئولوژیکی، ارتباطی، ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک آن متبلور و آشکار می‌شود. درواقع، برای بررسی و تحلیل اهمیت راهبردی منطقه خلیج فارس، بررسی و مطالعه مؤلفه‌های ذیل امری ضروری می‌نماید:

الف. وضع طبیعی و موقعیت جغرافیایی خلیج فارس؛

ب. ذخایر عظیم نفت و گاز؛ (اهمیت ژئواکونومیک)

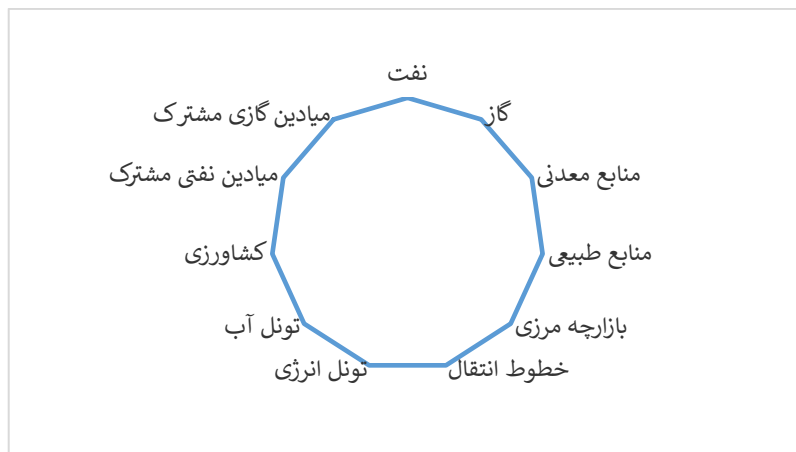
ج. بازار مصرف؛ (اهمیت تجاری و اقتصادی)

د. ظرفیت فرهنگی (اهمیت ایدئولوژیکی)

اهمیت خلیج فارس به شش عامل اصلی: موقعیت جغرافیایی، ذخایر عظیم نفت و گاز، بازار مصرف (خرید تجهیزات نظامی)، نقش فرهنگی و ایدئولوژیکی، کشمیری و ترابری دریایی (نقش واردات و صادرات بین سه قاره) و منابع آبزیان دریایی بستگی دارد (صفوی، ۱۳۹۳: ۴۶).

۲-۱-۸. مدل مفهومی پژوهش

اقتدار قدرت دارای مشروعیت است که از ناحیه یک کشور برای تأمین منافع ملی آن کشور اعمال می‌شود. اقتدار توان یک ملت در اعمال اراده ملی خود در درون و ورای مرزهاست. مفهوم اقتدار با مفاهیم قدرت و نفوذ ارتباط تنگاتنگی دارد، بنابراین در نظام سیاسی نوین جهان، اقتدار هر کشور می‌تواند به معنای نفوذ آن کشور در عرصه‌های گوناگون در کشورهای دیگر تلقی شود. بررسی تمام عرصه‌ها و عوامل اقتدار در یک مقاله امکان‌پذیر نیست، به همین دلیل در این تحقیق فقط یک عامل اقتصادی ج.ا.ایران در خلیج فارس بررسی و تجزیه و تحلیل شده است. با توجه به مبانی نظری و اهداف تحقیق مدل مفهومی طبق شکل شماره (۱) است. در این مدل برای مؤلفه اقتصادی ۱۶ عامل به‌دست آمده است.



شکل شماره (۱) مدل مفهومی تحقیق

منبع: یافته های پژوهش

۲-۲. پیشینه پژوهش

نتایج بررسی اولیه در مورد پیشینه و سوابق تحقیقات انجام شده از مراکز علمی و کتابخانه‌ای، تاکنون تحقیقی مشابه عنوان فوق انجام نشده اما تحقیقاتی که در ارتباط با منطقه خلیج فارس انجام شده، مورد شناسایی قرار گرفته و به شرح زیر تدوین و ارائه می‌گردد:

۲-۲-۱. مطالعات خارجی

حسین و عباس (۲۰۲۱) در مقاله با عنوان «سیاست خلیج فارس ایران: بومی سازی امنیت منطقه‌ای» بیان کردند هسته اصلی سیاست ایران در خلیج فارس بر محلی‌سازی امنیت منطقه‌ای متمرکز است، به این معنا که مسئولیت حفظ صلح و ثبات منطقه‌ای به طور انحصاری به کشورهای ساحلی این آبراه محدود شود. بر مبنای یک حس پارادوکسی تاریخی و بین‌الذهانی از قدرت بزرگ بودن در منطقه و هدف قرار گرفتن توسط مداخلات خارجی، ایران همواره خواستار تشکیل یک سیستم امنیتی مبتنی بر منطقه بوده است که در آن تمامی کشورهای ساحلی به صورت جمعی و هماهنگ برای تأمین امنیت منطقه همکاری کنند. با این حال، ایران در دستیابی به این هدف ناکام مانده است. این مقاله به بررسی و توضیح دلایل درخواست ایران برای محلی‌سازی امنیت خلیج فارس و ناکامی آن در تحقق این خواسته می‌پردازد. با استناد به جنبه «ساخت اجتماعی» در نظریه پیچیدگی امنیت منطقه‌ای (RSCT)، این مقاله استدلال می‌کند که مانع اصلی بر سر راه محلی‌سازی امنیت خلیج فارس عمدتاً شناختی یا ایده‌ای است، یعنی شناسایی منفی بین ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) و همچنین تفاوت دیدگاه‌ها در مورد آنچه که تهدید و امنیت در منطقه را تشکیل می‌دهد. این مقاله پیشنهاد می‌کند که امنیت منطقه‌ای ممکن است نامشخص باقی بماند مگر اینکه دو طرف خلیج فارس لنزهایی را که از طریق آن یکدیگر را می‌بینند تغییر دهند. همچنین، این مقاله به رقابت‌های درون شورای

همکاری خلیج فارس و حضور نیروهای آمریکایی در منطقه به عنوان دو عامل مهم دیگر در ممانعت از هرگونه پیشرفت ملموس به سمت ایجاد یک ساختار جمعی درون منطقه‌ای برای تضمین امنیت و ثبات منطقه‌ای می‌پردازد.

گاموا^۱ (۲۰۱۷) در مقاله‌ای با عنوان «ایران و امنیت انرژی در منطقه خلیج فارس» نتیجه می‌گیرد منطقه خلیج فارس منطقه‌ای مملو از مشاجره و تفاهم نه تنها بین کشورهای این حوزه، بلکه به‌سوی خارج از قدرت‌های منطقه‌ای هم کشیده می‌شود به دلیل موقعیت راهبردی این منطقه و ارتباط آن با اقیانوس هند و دریای مدیترانه شرقی و همچنین فراوانی منابع گاز و نفت است که این منطقه را در امور سیاسی جهانی بسیار مهم ساخته است. انرژی قلب اقتصاد جهانی است و برای امنیت جهانی اهمیت دارد. این‌ها ترکیب شده‌اند تا سیاست‌های انرژی در منطقه را بسیار پیچیده کنند. این مقاله ابعاد امنیت انرژی در منطقه را مورد بررسی قرار می‌دهد و بر مبارزه برای کنترل و نفوذ در منطقه در میان کشورهای خلیج فارس و قدرت‌های خارج از منطقه‌ای، از جمله ایالات متحده، روسیه، هند، چین، کشورهای عضو اتحادیه اروپا و ترکیه تمرکز می‌کند که موجب ناپایداری این منطقه شده است. در این مقاله در نهایت استدلال می‌کند که هیچ‌گونه تدابیر امنیتی در منطقه بدون همکاری و مشارکت ایران موفق نخواهد بود.

بن نصر و همکاران (۲۰۱۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «ایالات متحده و امنیت کشورهای حوزه خلیج فارس» به این نتیجه رسیدند که کشورهای حوزه خلیج فارس، احتمالاً به دنبال آن هستند، که ایالات متحده تضمین حفاظت بیشتر دفاع از آن‌ها را به دهد. جنگ، اختلافات مرزی، موفقیت و فروپاشی روند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی و بی‌ثباتی تکراری در بازار بین‌المللی نفت نگرانی‌های جدی برای اثبات صلح در منطقه خلیج فارس است. مسائل امنیتی کلیدی که سیاست آمریکا در خلیج فارس را شکل می‌دهند شامل پشتیبانی از جنگ علیه تروریسم، تأمین دسترسی به قیمت مناسب نفت و جلوگیری از دستیابی ایران به سلاح‌های کشتار جمعی و مقابله با اقدامات ایران هم هست. بنابراین ایالات متحده به‌طور فزاینده‌ای در منطقه حضور یافته و درگیر حفظ امنیت کشورهای عضو شورای همکاری شد. کشورهای شورای همکاری باید یک توازن کارآمد بین وابستگی به آمریکا و ایجاد معماری امنیتی منطقه‌ای برای خود ایجاد کنند. آنچه آمریکا و اعضای شورای همکاری را پیوند می‌دهد منافع است. آن‌ها دهه‌ها یک رابطه مولد متقابل سودمند را حفظ کرده‌اند. درحالی که اعضای شورای همکاری در میان خود اختلاف دارند، اما در روابط امنیتی با آمریکا عمیقاً مشترک هستند.

۲-۲-۲. مطالعات داخلی

بهران احمدی (۱۴۰۱) در مقاله‌ای تحت عنوان «صلح ابراهیم و راهبرد امنیت انرژی اسرائیل در خلیج فارس» در پی پاسخ به سؤالات اهداف و راهبرد امنیت انرژی اسرائیل در عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه در قالب صلح ابراهیم چیست؟ و این کشور چگونه از امنیت انرژی به‌منظور و تأمین امنیت ملی و ارتقای جایگاه بین‌المللی خویش بهره می‌گیرد؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، اسرائیل با استفاده از تمامی پتانسیل

¹ Gamwa

خود راهبردهای امنیت انرژی، امنیت سایبری و امنیت فرهنگی را در سه فضای منطقه‌ای (اوراسیا، مدیترانه و خاورمیانه) به‌منظور دستیابی به اهداف خود در جهان دنبال می‌کند.

پاکدل و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش خود با عنوان «راهبرد ایران در تأمین امنیت در منطقه خلیج فارس» به این نتایج دست یافتند که دیدگاه‌های ایران در مورد امنیت در خلیج فارس و سیاست‌های برخاسته از آن‌ها تحت تأثیر عوامل داخلی نظیر مخالفت با حضور قدرت‌های بیگانه در منطقه خلیج فارس شکل گرفته‌اند. نتیجه کلی این عوامل آن بوده که ایران را به این سمت سوق داده است که با هر نقشی برای قدرت‌های خارجی؛ به‌خصوص ایالات متحده، در ترتیبات امنیتی خلیج فارس مخالفت نماید.

طاهری و صادقی‌بکیانی (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای (مطالعه‌ی موردی مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس)» نتیجه می‌گیرد مجموعه امنیتی بر اساس عوامل و متغیرهایی چون وابستگی متقابل، الگوی دوستی و دشمنی، نزدیکی مرزهای جغرافیایی ایجاد می‌شوند، اما در نتیجه‌ی این عوامل، ساخت‌های متفاوتی از مجموعه‌های امنیتی شکل می‌گیرد؛ به‌طوری که برخی از این ساخت‌ها مبتنی بر تهدیدات و برخی مبتنی بر منافع مشترک است. خلیج فارس به علت آناژشی بودن منطقه و امنیت مبتنی بر خودیاری، الگوهای امنیتی فردگرایانه در آن غالب است. این الگوها شامل بازدارندگی یک‌جانبه و موازنه‌ی قوا می‌شوند که به علت تبعی بودن این الگوی امنیتی، رفتارهای خاص از آن تعارضی و پیامد ناشی از آن نیز منجر به امنیت زدایی منطقه شده است.

مصور رحمانی (۱۳۹۴) در تحقیقی با عنوان «ماهیت تهدیدات کشورهای عرب حوزه خلیج فارس علیه منافع جمهوری اسلامی ایران» بیان می‌دارد اختلافات میان ایرانیان و اعراب دارای یک سابقه بلند تاریخی است این اختلافات در عرصه‌های مختلفی امنیتی، مرزی، اقتصادی، سیاسی، هویتی و مذهبی خودنمایی کرده است. این روابط بر اساس برخی ملاحظات در مقاطعی رنگ همکاری به خود گرفته است.

نکات اشتراک پیشینه‌های یادشده با این مقاله عبارت‌اند از: اقتدار دریایی ایران، کنترل نبض اقتصاد خلیج فارس توسط ج.ا.ایران، اختلاف ایران با کشورهای خلیج فارس در عرصه‌های مختلفی امنیتی، مرزی، اقتصادی، سیاسی، هویتی و مذهبی.

نکات افتراق پیشینه‌های یادشده عبارت‌اند از: الگوهای دوستی و دشمنی و بیان الگوی امنیتی فردگرایانه و همچنین ایجاد معمای امنیتی در خلیج فارس توسط آمریکا.

نوآوری تحقیق این است که اقتدار ج.ا.ایران ابتدا به‌صورت حوزه‌ای و جداگانه محاسبه شده و در نهایت حوزه‌های جغرافیایی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را باهم جمع نموده و موقعیت کلی را به دست آورده است و در نهایت بیان نموده که اعضای شورای همکاری در میان خود اختلاف دارند، اما در روابط امنیتی با آمریکا عمیقاً مشترک هستند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نگاه هدف کاربردی- توسعه‌ای است؛ زیرا می‌توان از یافته‌های آن برای درک و شناسایی مؤلفه‌های اقتصادی اقتدار جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس بهره‌برداری نمود. همچنین پژوهش حاضر با

رویکرد آمیخته (کیفی و کمی) اجرا شده است، و روش آن توصیفی - تحلیلی با استفاده از روش تدوین راهبرد سوات است. با استفاده از مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای، پرسش‌نامه، مصاحبه و تعامل فکری با نخبگان (میز اندیشه و پنل خبرگی) در حوزه مرتبط با موضوع مقاله، داده‌های لازم جمع‌آوری گردید. جامعه آماری در این تحقیق شامل صاحب‌نظران و کارشناسان آشنا به موضوع تحقیق با حداقل ۲۰ سال خدمت، دارای مدرک تحصیلی بالاتر از کارشناسی ارشد مرتبط با موضوع، دارای تخصص در حداقل یکی از حوزه‌های اقتصادی، نظامی و جغرافیایی و داشتن جایگاه سازمانی حداقل ۱۷ بوده است. بر اساس این ویژگی‌ها تعداد افراد جامعه آماری ۵۴ نفر می‌باشد. به لحاظ یکی بودن حجم نمونه با حجم جامعه، روش نمونه‌گیری به‌صورت تمام شمار بوده است، همچنین در این تحقیق برای احصاء عوامل محیطی و استخراج راهبردها از روش نخبگی با برگزاری جلسات پنل خبرگی استفاده شده است.

داده‌های جمع‌آوری شده توسط ابزارهای پژوهش به شرح زیر تجزیه و تحلیل شده‌اند:

الف. اطلاعات کیفی حاصل از اسناد و مدارک و تحقیقات انجام‌شده پیشین طبقه‌بندی شده‌اند، به‌نحوی که ابتدا اطلاعات پالایش شده تا اطلاعات نامربوط، تکراری و غیرضروری حذف شوند، سپس تلخیص شده تا چکیده اطلاعات قابلیت استفاده را داشته باشند. پس از طبقه‌بندی اطلاعات، مرحله پردازش اطلاعات شروع شد به صورتی که اطلاعات کیفی در راستای اهداف پژوهش باهم مقایسه شوند تا هدف پژوهش، تحقق یابد. در ادامه، قضاوت در مورد اطلاعات پردازش شده و در راستای اهداف جزئی پژوهش و پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش به‌صورت شفاف انجام شد تا نتیجه‌گیری به‌آسانی در ادامه روند پژوهش انجام شود.

پس از انجام این مراحل کلیه عوامل کلیدی مؤثر در اقتدار جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس شناسایی و جهت مشخص شدن عامل داخلی (قوت یا ضعف) و عامل خارجی (فرصت یا تهدید) به افراد صاحب‌نظر ارائه گردید.

ب. در ادامه نتایج به‌دست‌آمده از تجزیه و تحلیل کیفی و استخراج عوامل از اسناد و مدارک و پیشینه‌های تحقیق اقدام به تهیه پرسش‌نامه شد و پس از ارائه به افراد نمونه و جمع‌آوری و طبقه‌بندی داده‌های حاصل از پرسش‌نامه، اطلاعات کمی با روش‌های آمار توصیفی مانند محاسبه میانگین، واریانس، انحراف معیار و ضریب پراکندگی تجزیه و تحلیل و مورد قضاوت و تفسیر قرار گرفت.

پ. در پایان تجزیه و تحلیل نهایی انجام شد به‌نحوی که اطلاعات کمی و کیفی باهم مقایسه شده تا هم‌پوشانی یا عدم هم‌پوشانی آن‌ها مشخص شود.

پس از مشخص شدن عوامل داخلی و خارجی جهت تدوین راهبرد از روش سوات و سوات بهبودیافته استفاده شد. برای این منظور مراحل زیر انجام شد:

الف. تشکیل ماتریس‌های زوجی

با عنایت به چهار دسته راهبرد، راهبردی که در ماتریس سوات (شامل راهبردهای WT, WO, ST, SO) تدوین می‌شوند و با توجه به منطقه قرار گرفتن در ماتریس داخلی و خارجی، آن دسته از گزاره‌ها جهت ارزیابی و انتخاب در ماتریس راهبردی کمی برگزیده می‌گردد که مربوط به منطقه تعیین‌شده در ماتریس داخلی و

خارجی باشند. بدیهی است که در انتها از تجميع گزاره‌ها بر مبنای عناصر تدوين راهبرد (اهداف، وسيله و روش) راهبردهایی تدوين خواهد شد.

جدول شماره (۱) ماتريس زوجی (برای احصاء راهبردها)

نقاط ضعف - W	نقاط قوت - S	
راهبردهای WO با استفاده از فرصت‌ها، نقاط ضعف مرتفع می‌گردد.	راهبردهای SO با تکیه بر قوت‌ها، از فرصت‌ها بهره‌برداری می‌گردد.	فرصت‌ها - O
راهبردهای WT نقاط ضعف را کاهش داده و از تهدیدات دوری می‌گردد.	راهبردهای ST با تکیه بر قوت‌ها، تهدیدات، خنثی می‌گردد.	تهدیدات - T

ب. تشکیل ماتريس SWOT بهبودیافته

با انجام تغییراتی در ماتريس، یک ماتريس پیچیده‌تر تحت عنوان ماتريس بهبودیافته ایجاد می‌شود. این ماتريس در جدول شماره (۲) ارائه گردیده است.

جدول شماره (۲) ماتريس SWOT بهبودیافته

نقاط ضعف	نقاط قوت	ماتريس SWOT بهبودیافته
راهبرد WOST: با استفاده از فرصت‌ها، نقاط ضعف را به قوت تبدیل کرده و با استفاده از نقاط قوت، رفع تهدید صورت می‌گیرد.	راهبرد SOT: فرصت‌هایی را دنبال می‌کند که با نقاط قوت سازمان سازگار بوده و موجب رفع تهدیدها می‌شود.	فرصت‌ها
راهبرد WOT: با استفاده از فرصت‌ها، نقاط ضعف را پوشانده و رفع تهدید می‌شود.	راهبرد SOWT: با استفاده از نقاط قوت و فرصت‌ها، بر نقاط ضعف غلبه کرده و رفع تهدید صورت می‌گیرد.	تهدیدها

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های پژوهش

پس از جمع‌آوری داده‌ها، میانگین ارزش اختصاص‌یافته به هر عامل را که از جامعه آماری به‌دست‌آمده بود محاسبه و سپس بردار حاصل نرمالیزه شد تا وزنی بین صفرتا یک برای هر عامل به‌دست‌آید (مجموع اوزان یک می‌شود). در ادامه برای محاسبه امتیاز وزن موزون وضع موجود عوامل داخلی و خارجی، وزن (درجه اهمیت) هر عامل در امتیاز حاصل از میانگین وضع موجود نقطه نظرات جامعه آماری تحقیق ضرب و برای هر یک از سطرهای جدول در ستون امتیازات موزون ثبت شد.

۴-۱. تحلیل وضع موجود عوامل خارجی

جدول شماره (۳) محاسبه‌ی امتیاز موزون و تلفیق عوامل داخلی (IFAS)

رتبه	نقاط قوت	درجه اهمیت	وضع موجود	وزن نسبی	امتیاز موزون
۱	وجود ذخایر مناسب نفت و گاز در ایران	۴/۵۲	۴/۵۲	۰/۰۳۵۵	۰/۱۶۰۵
	کارکرد قرارداد ۲۵ ساله جمهوری اسلامی ایران با چین	۴/۵۶	۴/۵۶	۰/۰۳۵۸	۰/۱۵۲۶
	وجود جزایر با ظرفیت‌ها متنوع اقتصادی و گردشگری	۴/۵۲	۴/۵۲	۰/۰۳۵۵	۰/۱۶۰۵
مجموع					
۳/۷۰۳۷					
رتبه	نقاط ضعف	درجه اهمیت	وضع موجود	وزن نسبی	امتیاز موزون
۲	منابع معدنی و طبیعی ج.ا.ایران در خلیج فارس	۴/۴۱	۳/۸۵	۰/۰۳۴۶	۰/۱۳۳۳
	کارکرد بازارچه‌های مرزی مشترک در خلیج فارس	۴/۳۵	۳/۹۶	۰/۰۳۴۲	۰/۱۳۵۳
	خطوط انتقال انرژی ج.ا.ایران در خلیج فارس	۴/۳۹	۳/۸۱	۰/۰۳۴۵	۰/۱۳۱۴
	ایجاد تونل دریایی برای انتقال انرژی در خلیج فارس	۴/۶۳	۴/۵۷	۰/۰۳۶۴	۰/۱۶۶۲
	ایجاد تونل آب برای انتقال آب خلیج فارس به داخل کشور	۴/۴۳	۴/۲۲	۰/۰۳۴۸	۰/۱۴۶۸
	احیای پتانسیل کشاورزی ج.ا.ایران در منطقه خلیج فارس	۴/۶۹	۳/۸	۰/۰۳۶۸	۰/۱۴
	رقابت ایران و کشورهای خلیج فارس برای استفاده بیشتر از میادین نفتی و گازی مشترک	۴/۶۱	۴/۴۶	۰/۰۳۶۲	۰/۱۶۱۵
مجموع					
۱/۳۴۵۸					
مجموع اوزان موزون قوت‌ها و ضعف‌ها					
۴/۰۴۹۵					

منبع: نتایج پژوهش

با محاسبات صورت گرفته و میانگین عوامل داخلی و از طرفی با توجه به جمع امتیازات موزون محاسبه شده در جداول فوق، (نمره دریافتی در وضعیت موجود عوامل داخلی در مؤلفه‌ها بیشتر از ۳ به دست آمده آمده)، این طور استنباط و نتیجه گیری می گردد که؛ سازمان از نظر عوامل داخلی دارای قوت بوده و در وضعیت خوبی قرار دارد.

۴-۲. تحلیل وضع موجود عوامل خارجی

جدول شماره (۴) جدول محاسبه‌ی امتیاز موزون و تلفیق عوامل خارجی (EFAS)

رتبه	فرصت‌ها	درجه اهمیت	وضع موجود	وزن نسبی	امتیاز موزون
۱	منابع معدنی و طبیعی مشترک در خلیج فارس	۴/۵۷	۴/۶۳	۰/۰۲۶۲	۰/۱۲۱۵
	وضعیت نیروی کار مشترک در کشورهای خلیج فارس	۴/۴۸	۳/۹۸	۰/۰۲۵۷	۰/۱۰۲۴
	تشکیل اتحادیه اقتصادی در خلیج فارس	۴/۶۷	۴/۴۶	۰/۰۲۶۸	۰/۱۱۹۶
	اقتصاد نفتی کشورهای خلیج فارس	۴/۴۸	۳/۲۶	۰/۰۲۵۷	۰/۰۸۳۸

رتبه	فرصت‌ها	درجه اهمیت	وضع موجود	وزن نسبی	امتیاز موزون
	تنش‌زدایی روابط ایران و عربستان سعودی	۴/۶۱	۳/۹۶	۰/۰۲۶۵	۰/۱۰۴۸
	وجود جزایر با پتانسیل عالی برای سرمایه‌گذاری	۴/۵۷	۴/۶۳	۰/۰۲۶۲	۰/۱۲۱۵
	مجموع				۱/۷۴۲۹
رتبه	شاخص‌ها (تهدیدها)	درجه اهمیت	وضع موجود	وزن نسبی	امتیاز موزون
۲	ایجاد بندر هاب توسط امارات متحده در خلیج فارس	۴/۴۱	۳/۵۴	۰/۰۲۵۳	۰/۰۸۹۶
	کارکرد تحریم‌های اقتصادی علیه ایران	۴/۲۲	۳/۷۰	۰/۰۳۴۲	۰/۰۸۹۶
	مجموع				۲/۱۴۹۴
	مجموع اوزان موزون فرصت‌ها و تهدیدها				۳/۸۹۲۳

منبع: یافته‌های پژوهش

با محاسبات صورت گرفته و میانگین عوامل خارجی و از طرفی با توجه به جمع امتیازات موزون محاسبه شده در جداول فوق، (نمره دریافتی در وضعیت موجود کمتر از ۳ به دست آمده)، لذا این طور استنباط و نتیجه‌گیری می‌گردد که؛ سازمان از نظر عوامل خارجی، دارای تهدید بوده و در وضعیت مناسبی نیست و از حد متوسط پایین‌تر است.

۴-۳. تعیین موقعیت راهبردی و تحلیل شکاف

جدول شماره (۵) جمع نمرات موزون عوامل داخلی و خارجی را نشان می‌دهد:

جدول شماره (۵) جمع نمرات موزون عوامل داخلی و خارجی

۱/۷۴۲۹	فرصت	۲/۷۰۳۷	قوت
۲/۱۴۹۴	تهدید	۱/۳۴۵۸	ضعف

منبع: یافته‌های پژوهش

نقطه مطلوب در این دستگاه مختصات، بردار به طول $\sqrt{2} \times 5^2 = 7/0711$ با زاویه ۴۵ درجه می‌باشد و هدف مشخص کردن زاویه بین این دو بردار است تا با اختصاص امکانات لازم از وضع موجود به وضع مطلوب بتوان رسید.

طبق محاسبات انجام شده جهت تعیین موقعیت، وضعیت موجود در ربع محافظه کارانه خفیف قرار دارد و مقدار زاویه چرخش از وضع موجود به وضع مطلوب ۶۲ درجه است.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۵-۱. نتیجه‌گیری

خلیج فارس مهم‌ترین خطه آبی منطقه است که علاوه بر ظرفیت‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اقتصادی با بهره‌مندی از منابع سرشار نفت و گاز از اهمیتی راهبردی در تعاملات بین‌المللی برخوردار می‌باشد. خلیج فارس

مهم‌ترین فضای ژئواکونومیک جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید که از لحاظ اقتصادی مهم‌ترین بخش جهان را تشکیل داده است زیرا منابع عظیم نفت و گاز، تولیدکنندگان عمده نفت و گاز، فرصت‌های بسیار زیاد جذب توریست در این قرار گرفته‌اند که در صورت تدوین راهبرد و اقدامات بنیادی سبب کسب اقتدار اقتصادی در منطقه خلیج فارس برای ایران خواهد شد. اقتداری که سبب نفوذ پول ایرانی و کنترل منابع طبیعی، تجارت، تولید، مصرف و توزیع اقتصادی در منطقه خلیج فارس خواهد شد. بر اساس تجزیه و تحلیل به عمل آمده، نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید مؤلفه اقتصادی مشخص گردید. جهت مشخص نمودن عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر اقتدار ج.ا.ایران در خلیج فارس با استفاده از نظر حجم نمونه و گویه‌ها در قالب پرسش‌نامه ۱۶ سؤالی فقط در مورد مؤلفه اقتصادی به شرح زیر تبیین گردید. از مجموع ۱۶ سؤال طراحی شده ۱۰ سؤال مربوط به عوامل داخلی (۳ قوت و ۷ ضعف) و ۶ سؤال مربوط به عوامل خارجی (۴ فرصت و ۳ تهدید) می‌باشد. نقش عوامل اقتصادی ج.ا.ایران برای نیل به اقتدار در خلیج فارس طبق جدول شماره (۶) می‌باشد:

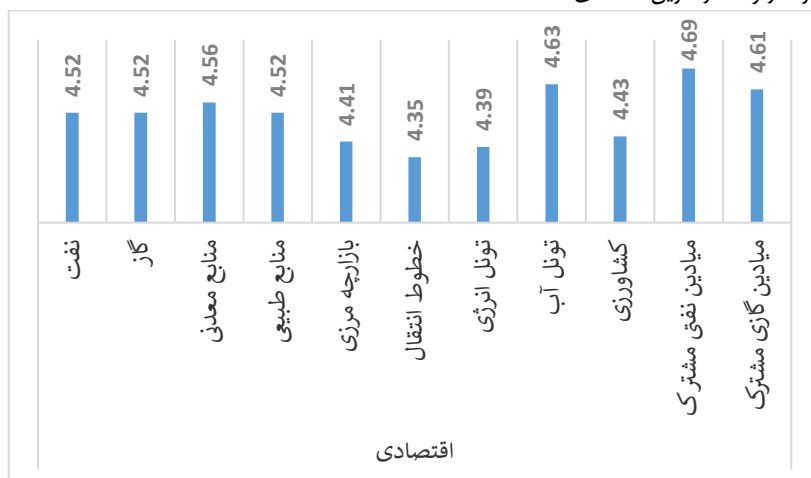
جدول شماره (۶) نقش عوامل اقتدارساز ج.ا.ایران در خلیج فارس

نقش عامل	نوع عامل	مؤلفه
قوت	وجود ذخایر مناسب نفت و گاز در ایران	اقتصادی
قوت	وجود جزایر با ظرفیت‌ها متنوع اقتصادی و گردشگری	
ضعف	منابع معدنی و طبیعی ج.ا.ایران در خلیج فارس	
فرصت	منابع معدنی و طبیعی مشترک در خلیج فارس	
ضعف	کارکرد بازارچه‌های مرزی مشترک در خلیج فارس	
ضعف	خطوط انتقال انرژی ج.ا.ایران در خلیج فارس	
ضعف	ایجاد تونل دریایی برای انتقال انرژی در خلیج فارس	
ضعف	ایجاد تونل آب برای انتقال آب خلیج فارس به داخل کشور	
فرصت	وضعیت نیروی کار مشترک در کشورهای حوزه خلیج فارس	
ضعف	احیای پتانسیل کشاورزی ج.ا.ایران در منطقه خلیج فارس	
فرصت	تشکیل اتحادیه اقتصادی در خلیج فارس	
قوت	کارکرد قرارداد ۲۵ ساله جمهوری اسلامی ایران با چین	
تهدید	ایجاد بندر هاب توسط امارات متحده عربی در خلیج فارس	
فرصت	اقتصاد نفتی کشورهای خلیج فارس	
تهدید	کارکرد تحریم‌های اقتصادی علیه ایران	
ضعف	رقابت ایران و کشورهای خلیج فارس برای استفاده بیشتر از میادین نفتی و گازی مشترک	

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس محاسبات انجام شده در بخش تجزیه و تحلیل، ظرفیت‌های اقتدار ج.ا.ایران در منطقه خلیج فارس در وضعیت محافظه کارانه خفیف و معطوف به قوت قرار دارد که به سمت تهاجمی خفیف و معطوف به قوت در حال حرکت می‌باشد. در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده هفت راهبرد جهت اقتدار جمهوری اسلامی ایران احصاء گردید که اولویت اول و مهم‌ترین راهبرد اقتصادی به شرح زیر می‌باشد که مطابق نمودار شماره (۱) میزان تاثیر عوامل اقتصادی بر راهبرد اقتصادی آورده شده است.

راهبرد اقتصادی: بهره‌برداری از فرصت تأمین انرژی و شاهره ترانزیتی انرژی برای انتقال انرژی خلیج فارس به اروپا و همچنین توسعه پایدار زیرساخت‌های اقتصادی و کشاورزی برای برون‌رفت از اقتصاد نفتی و تک‌محصولی با استفاده از عوامل برتر ساز و اقتدار آفرین اقتصادی.



نمودار شماره (۱) میزان تأثیر عوامل اقتصادی بر راهبرد اقتصادی

منبع: یافته‌های پژوهش

۲-۵. پیشنهادها

- (۱) اجرای طرح انتقال منابع انرژی خلیج فارس به اروپا از طریق احداث خط مشترک لوله نفت و گاز با استفاده از سرمایه‌گذاری مشترک به‌منظور تأمین امنیت خطوط لوله و جلوگیری از تحریم.
- (۲) تبدیل جزایر ایرانی به فرصت‌های توریستی و گردشگری به‌منظور جاذبه اقتصادی و توریستی.
- (۳) توسعه زیرساخت‌های کشاورزی در زمین‌های نزدیک به خلیج فارس برای صادرات مستقیم و سریع به کشورهای خلیج فارس.
- (۴) تشکیل اتحادیه اقتصادی در خلیج فارس با استفاده از منابع معدنی و طبیعی مشترک.
- (۵) تشکیل بازارچه‌های دریایی در سواحل خلیج فارس با استفاده از تنش‌زدایی روابط ایران و با سایر کشورهای منطقه.
- (۶) ایجاد امنیت برای حضور بازیگران اقتصادی و انگیزه سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مشترک.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- افشارسیستانی، ایرج. (۱۴۰۰). *جزیره کیش و دریای پارس*. تهران: نشریه جهان معاصر.
- الهی حامدیان، همایون. (۱۳۹۸). *خلیج فارس و مسائل آن*. تهران: نشر قومس.
- بهران احمدی، امین. (۱۴۰۱). *صلح ابراهیم و راهبرد امنیت انرژی اسرائیل در خلیج فارس*، فصلنامه علمی دانشگاهی مکران و خلیج فارس، ۲(۴).
- پاکدل، محمد؛ محقق نیا، حامد؛ یوسفی، بهرام و عبدالخانی، لنا. (۱۴۰۲). *راهبرد ایران در تأمین امنیت در منطقه‌ی خلیج فارس*. مجله علوم و فنون دریایی، ۲۲(۳)، ۶۲-۷۵.
- جودت، بهجت. (۱۳۹۹). *امنیت نفت در هزاره جدید ژئواکونومی در برابر ژئواستراتژی، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی*، شماره ۱۶۵ و ۱۶۶، ۱۷۰-۱۷۹.
- حافظ نیا، محمدرضا و ربیعی، حسین. (۱۳۹۹). *مطالعات منطقه‌ای خلیج فارس*، تهران: انتشارات سمت.
- حسن‌پور، حمید. (۱۴۰۲). *طراحی راهبردی ارتقاء وزن ژئوپولیتیکی ایران در حوزه خلیج فارس و دریای عمان*، رساله دکتری، دانشگاه دفاع ملی.
- رستمی، علی. (۱۳۹۲). *تحلیل ژئوپولیتیکی حوزه خلیج فارس و تأثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فارابی.
- رودباری، لواءفیلی. (۱۳۹۵). *کویت*، کتاب سبز، تهران: انتشارات امور خارجه.
- سلطانی‌فر، فرزاد. (۱۳۹۹). *خلیج فارس و ساختار نظام بین‌الملل جدید در شرایط کاهش اهمیت نفت برای آمریکا*، تهران، فصلنامه خلیج فارس و امنیت، معاونت دانش و پژوهش ندسا، ۲۱(۱۸۰).
- صفوی، سید یحیی. (۱۳۹۳). *جغرافیای نظامی ایران*. تهران: انتشارات سمت.
- طاهری، ابراهیم و صادقی‌بکیانی، امین. (۱۳۹۵). *تأثیر ساخت مجموعه‌های امنیتی بر امنیت منطقه‌ای (مطالعه‌ی موردی مجموعه‌ی امنیتی خلیج فارس)*، مجله‌ی سیاست دفاعی، ۲۴(۳۷).
- عالم، عبدالرحمان. (۱۳۹۳). *بنیادهای علم*. تهران: انتشارات نی.
- کامران، حسن. (۱۳۹۶). *جزایر خلیج فارس*، نشریه انجمن جغرافیایی معاصر.
- مصور رحمانی، امیرحسین. (۱۳۹۴). *ماهیت تهدیدات کشورهای عرب حوزه خلیج فارس علیه منافع جمهوری اسلامی ایران*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده علوم سیاسی.
- نوذری، فضل‌الله. (۱۳۹۴). *ژئوپلیتیک حوزه دریای عمان*، تهران: انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.

منابع لاتین

- Ben Nasr, B., & Nader, I. (2016). The United States and the security of the Gulf States (Persian), *International Journal of Humanities and Social Sciences*, ۶(11).
- Blackwill, R. D., & Harris, J. M. (2016). *War by other means: Geoeconomics and statecraft*. Harvard University Press.
- Bremmer, Ian. (2010). *The End of the Free Market: Who Wins the War between States and Corporations?* New York: Portfolio.
- Gamawa, Y. I. (2017). Iran and Energy Security in the Persian Gulf Region. *The Journal of Social Sciences Research*, 3(5), 41-47.
- Hussain, R., & Abbas, S. Q. (2021). Iran's Persian Gulf policy: Localization of regional security. *Journal of Historical Studies*, 7(2), 130-145.
- Jeffrey, Kemp., Robert, Harkavy., & Hosseini, Mateen. (2019). *Strategic Geography of West Asia*, Volume I, Strategic Studies Research Institute.
- Karimifard, H. (2012). Constructivism, national identity and foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Asian Social Science*, 8(2), 239.
- Lorot, Pascal. (2001). "La geoeconomie, nouvelle grammaire des rivalites internationals," *L'information géographique* 65, No. 1 (2001), 43-52.
- Martiningui, A., & Youngs, R. (Eds.). (2011). *Challenges for European Foreign Policy in 2012: What Kind of Geo-Economic Europe?*. Fride.
- Solberg Søilen, K. (2010). The shift from Geopolitics to Geoeconomics and the failure of our modern Social Sciences.
- Thirlwell, Mark. P.(2010). *The Return of Geo- economics*, Interpreter, Lowy Institute for International Policy, May 24, 2010.